آنچه بر نمایش هدا گابلر گذشت

آن‌طور که گفتند نیست

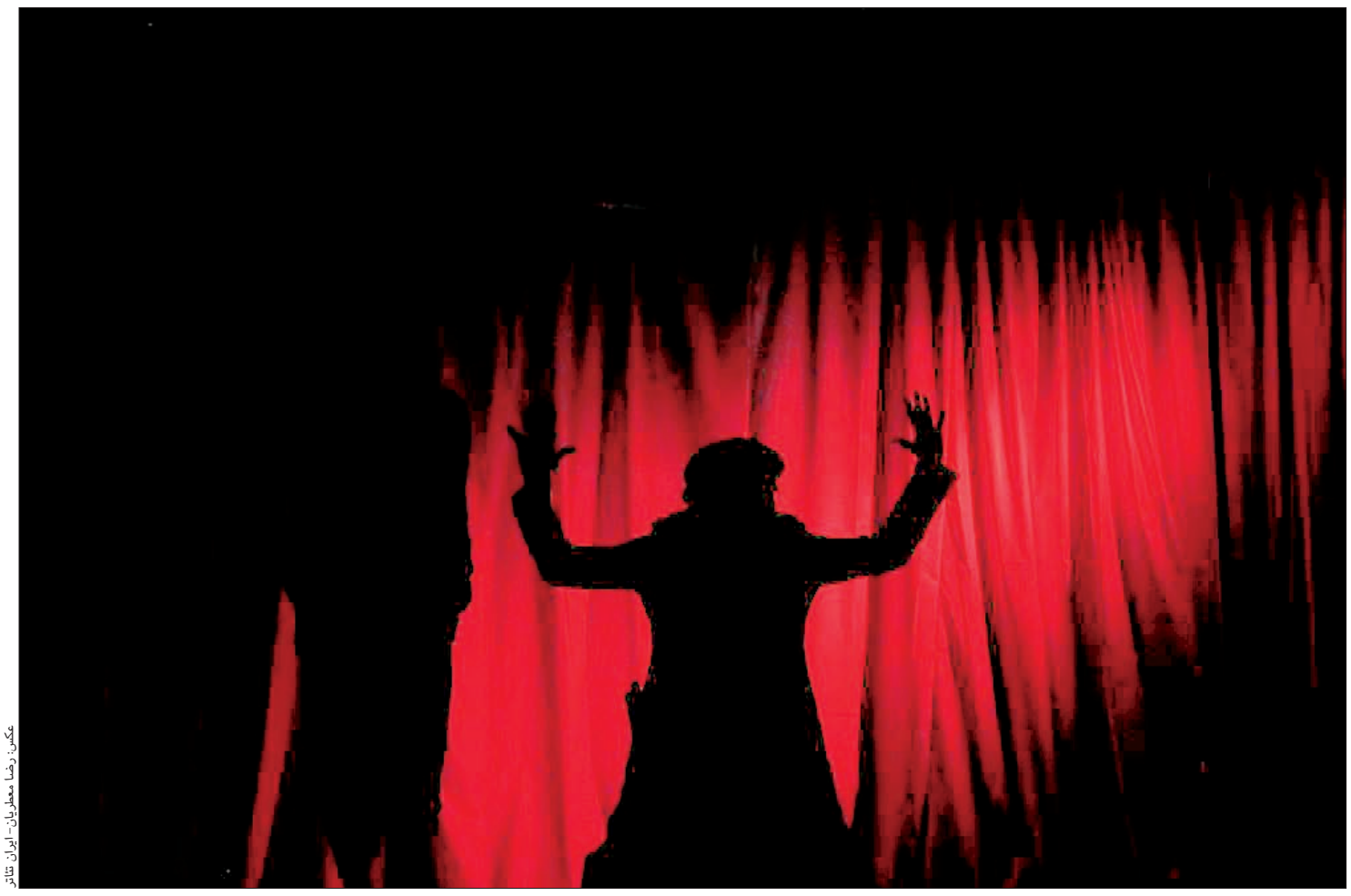

عکس: رضا معطریان- ایران تئاتر

حسین ذوقی

این بار اول نیست که نمایشی روی صحنه به واسطه انتشار یک گزارش به جنجال تبدیل می‌شود. داستان به سریالی رعب‌آور تبدیل شده است. اول پای شکسپیر به میان آمد و حالا ایبسن اخلاقگرا متهم ردیف اول است. اما ماجرا چیست و از کجا آغاز شد؟ چه شد که نمایشی بعد از چند شب اجرا و در حالی که تعداد تماشاگرانش هنوز اندک بود و هیچ مسوول غیرتئاتری آن را ندیده بود به چنین سرنوشتی دچار شد؟

ایبسن متهم می‌شود

نمایش «هدا گابلر» نوشته نویسنده بزرگ نروژی و از نمایشنامه‌های ماندگار تمام دوران برای دومین بار در ایران به روی صحنه رفت. ایبسن نویسنده‌ای معروف و محبوب در ایران است. نمایشنامه‌های او اجراهای متعددی در ایران دارد. تقریباً تمام سازمان‌های مرتبط با هنر تئاتر در ایران در برنامه‌هایی ارادت ویژه به این نمایشنامه‌نویس شهیر نشان داده‌اند. نمونه مهم بزرگداشت ۱۰۰سالگی ایبسن در سال ۸۵ است. سال ابتدایی روی کار آمدن دولت اصولگرای نهم و وزارت سردبیر پیشین روزنامه کیهان، صفارهرندی. همان سال بود که وزارت ارشاد رسماً اعلام کرد می‌خواهد به ابتذال دوران پیش از خود پایان دهد؛ ابتذال دوران پیشین را وزارت فرهنگ و ارشادی‌های دولت جدید مطرح کرده بودند.

نشانه‌های این مبارزه نیز هویدا بود. جنجال از چند فیلم سینمایی شروع شد. که بسیاری نمایش آن را در این دوران بی‌سابقه قلمداد کردند و وزیر این‌گونه پاسخ داد که هنوز مربوط به دوران پیش است. وزیر در پی مطرح شدن سوالات زمان خواست تا همه چیز بر پایه آنچه در دولت نهم طرح شده است استوار شود و انگار که چنین شد. در حوزه کتاب دست به اقداماتی زدند، در سینما هم به همچنین. در تئاتر هم برنامه‌هایی اعمال شد. معاونت هنری برنامه‌های گسترده‌ای را پی‌ریزی کرد و بخش نظارت و ارزشیابی را قدرت بیشتری داد. تئاتر تنها جایی برای نظارت بیشتر نبود که بخش هنرهای تجسمی نیز به همین روال بود. قرار شد هر اثر هنری به ارشاد برود، تایید شود و بعد به گالری برگردد. داستان‌هایی هم به وجود آمد که گالری اثر نمونه مهمش بود. در تئاتر اما موردی وجود نداشت. آثار مورد قبول بود و نظارت کار خود را به خوبی انجام می‌داد، نه کسی شاکی بود و نه موردی برای شکایت وجود داشت. مدیر مرکز هنرهای نمایشی بیش از هر چیز بر اداره نظارت و ارزشیابی تمرکز داشت. چه‌بسا خود در مواردی تساهل را برمی‌گزید تا کمی از تندی اصلاحات اداره زیر نظرش بکاهد، یعنی اینکه اداره نظارت و ارزشیابی دست بالا می‌گرفت؛ نمی‌خواست حتی موردی کوچک پیش بیاید. سال ۸۵ که مقارن بود با صدمین سالگرد درگذشت هنریک ایبسن، در ایران و به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مراسم پر و پیمانی برگزار شد.

«این همایش را اداره کل هنرهای نمایشی با همکاری رایزنی سفارت نروژ، خانه هنرمندان، خانه تئاتر، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و گروه نمایش چند موسسه آموزشی دیگر در چند شهر ایران برگزار کرد. اجرای نمایش‌های رادیویی از شبکه تهران (داستان شب)، اجرای نمایش‌های رادیویی ایبسن (رادیو فرهنگ)، اجرای نمایش رادیویی ایبسن (شبکه جوان)، ویژه‌برنامه شبکه جوان (زندگی، احوال و آثار ایبسن)، تله‌تئاتر (شبکه ۲ سیما) و تله‌تئاتر (شبکه ۴ سیما) از اقداماتی بود که صدا و سیمای ایران به مناسبت این هفته انجام داد.

این همایش در شکل‌هایی گوناگون مانند اجرای نمایشنامه، نمایشنامه‌خوانی، پخش تله‌تئاتر، کارگاه آموزشی، سخنرانی و نشست و گفت‌وگو در تالارهای هنری مختلف تهران مانند مجموعه تئاتر شهر، سالن‌های بتهوون و ناصری خانه هنرمندان، خانه نمایش اداره تئاتر، دانشکده هنرهای زیبا، خانه کوچک نمایش دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد واحد تهران و همچنین شهرستان‌ها اجرا شد.» این چند خط چکیده گزارش‌های مربوط به آن مراسم است. نقلش به چه دلیل است؟ اول اینکه آثار ایبسن و تفکراتش و حتی دیدگاه و فلسفه‌اش آنچنان است که حتی آثار او قابلیت پخش از تلویزیون را دارد. زندگی‌اش آنقدر شفاف و بی‌حاشیه است که تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در قالب ویژه‌برنامه‌ای آن را مفصل بیان می‌کند. اما چگونه می‌شود که ناگهان ایبسن را اباحه‌گر و نیست‌انگار می‌خوانند.

القاب و مواردی که هیچ‌گاه و تاکنون از زبان هیچ منتقد و مفسر و تحلیلگر تئاتری و غیرتئاتری بیان نشده است. چگونه است که ناگهان گزارش‌نویس خبرگزاری فارس به کشف چنین اتهاماتی می‌رسد؟ چرا ایبسن چهار سال بعد در دولت دهم وزارت ارشاد اصولگراتر از قبل متهم به ترویج فساد می‌شود و چگونه است که وزارتخانه دولت دهم متهم به چنین مواردی می‌شود و وزیر تا آستانه پاسخگویی به مجلس پیش می‌رود؟

منشاء آثار

داستان از گزارش خبرگزاری فارس آغاز می‌شود؛ آن گزارشی که الفاظ جدیدی داشت و باب تازه‌ای را باز کرد. آن گزارشی که در پی گزارش‌های سایت رجانیوز درباره نمایش‌هایی دیگر بود. فارس نوشته بود: «ترویج اباحه‌گری و نمادهای یک فرقه منحرف جنسی در نمایش تئاترشهر». و این تیتر جنجالی بود که ماجرای پیچیده «هدا گابلر» را آغاز کرد. در گزارش فارس آمده بود: «نمایش «هدا گابلر» به نویسندگی و کارگردانی «وحید رهبانی» به محلی برای ترویج اباحه‌گری، ابتذال و عادی‌سازی چندشوهری، اختلاط زن و مرد و استفاده از نمادهای یک فرقه انحرافی موسوم به «بردگی جنسی و فراماسونری» و دیگر اقدامات ضدارزشی تبدیل شده است.» گزارش‌نویس فارس بیش از آنکه اجرا را متهم کند نوک پیکان انتقادات خود را بر ایبسن هدف گذاشته بود. او ایبسن و نمایشنامه‌اش «هدا گابلر» و اجرای این نمایش را چنین دانسته بود: «نمایش مذکور که مبتنی بر فلسفه نیست‌انگاری غربی است و هیچ نسبتی با آموزه‌های ملی و مذهبی ما ندارد، پیش از این در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و نیز برای اهالی رسانه به صورت اختصاصی به نمایش گذاشته شده بود. در ادامه این نمایش که مبتنی بر نگره توهم‌افکن و سیاه‌آلود نویسنده نروژی آن یعنی «هنریک ایبسن» است، زن هوسران همواره به دنبال اجیر کردن عشق مردان برای خود بوده و به راحتی با دوستش- شخصیت قاضی- رابطه نامشروع دارد، اگرچه این رفتار در منظومه تفکرات غرب طبیعی به نظر می‌رسد. عمده موضوع این نمایش حول شخصیت یک زن خودخواه و هوسران و مطلقه استوار شده که هم‌اکنون با اینکه شوهر دارد با یک قاضی بی‌قید نیز دوست بوده و با وی رابطه دارد. در یکی از بخش‌های این تئاتر شخصیت زن نمایش توسط زنجیری از سوی معشوق خود کشیده می‌شود که این تصویر نماد فرقه انحرافی بردگی جنسی است. عادی‌سازی شرب خمر و حالات مستی پس از آن به صورت تلویحی با پوشش خوردن آب پرتقال و نیز برقراری رابطه نامشروع به صورت علنی و آشکار از دیگر نکاتی است که در این نمایش مبتذل دیده می‌شود و گفته قاضی این نمایش مبنی بر اینکه «من دوست دارم همیشه نفر سوم باشم» موید اباحه‌گری جنسی در این به اصطلاح نمایشنامه است. نمایشنامه «هدا گابلر» یک درام تراژیک- تخیلی با مختصات تفکر غربی است. در این داستان «هنریک ایبسن»- نویسنده این مجموعه- برای اینکه تاملات درونی‌اش را پنهان کند در قالب یک شخصیت دیگر آن را به مخاطب نشان می‌دهد. واضح است که نویسنده تحت تاثیر متون فلسفی نیست‌انگاری قرار داشته؛ فلسفه‌ای که بنیانگذارش فردریش نیچه بوده است. شخصیت داستان فردی آشفته‌حال و ناامید است که برای اطمینان یافتن از قدرت خویش موجب نابودی اطرافیان و نزدیکان می‌شود و سرانجام در مقابل کشمکش‌های زندگی تسلیم می‌شود و خود را به مرگ می‌سپارد. نگاه ایبسن به زندگی توهم‌آلود و سیاه است و شخصیت نمایشی او آدمی شکست‌خورده و ناموفق را به تصویر می‌کشد. فردی که از همه ناامید شده است و اعتماد به نفس پایین او را به کام مرگ می‌کشاند.

به هر حال در شرایطی که در نمایشنامه‌های غربی آثار فاخری نیز دیده می‌شود، نمایش مبتذل و متاثر از فلسفه نیست‌انگار «هدا گابلر» برای عموم در حال اجراست که نشان می‌دهد بخش عمده حوزه هنر، همچنان از نبود هنرمندان متعهد و نیز فقدان نمایشنامه‌های پرمحتوای اسلامی- ایرانی رنج می‌برد.»

این جملات گزارش‌نویس فارس باعث شد تا حسین مسافرآستانه به عنوان مدیر اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از متهمان این ماجرا و متولی تئاتر دولتی پاسخی را با عنوان جوابیه اداره کل هنرهای نمایشی رسانه‌ای کند؛ جوابیه‌ای که در کنار پاسخ تند فارس منتشر شد. مسافر پیش از همه در جوابیه‌اش از تلاش‌های اداره کل هنرهای نمایشی برای تولید نمایش‌هایی با برخورداری از ارزش‌های فرهنگی، اعتقادی، دینی، آرمانی و آیینی غنی خبر داد. مسافر نیز همچون مدیران فرهنگی در دولت نهم از کم‌کاری فرهنگ در این حوزه‌ها گفت و از تلاش‌های صورت‌گرفته در سال‌های دولت اصولگرا سخن به میان آورد.

بخش عمده جوابیه مسافرآستانه که بیشتر به گزارشی از فعالیت‌های مدیریت تئاتر در سال‌های اخیر شبیه بود به همین موارد می‌پرداخت. و تنها بخش انتهایی جواب او در مورد اتهامات وارده از طرف فارس بود: «ایبسن در دنیا نویسنده شناخته‌شده‌ای است و از آن هم به عنوان منتقد بزرگ فساد در جوامع غربی و نویسنده‌ای مردم‌گرا و اخلاق‌گرا اسم برده شده است. اکثر آثار این نویسنده در ایران ترجمه شده و بعضی از آنها در رسانه ملی هم پخش شده است و نسبت اباحه‌گری و ابتذال و نیست‌انگاری به این نویسنده فقط از روی جهالت است. آنچه دستاویز برخی اظهارنظرهای شتابزده پیرامون این نمایش قرار گرفته، عکس‌هایی است که متاسفانه به صورت غیرقانونی و بدون مجوز از اولین اجرای آن که ویژه خبرنگاران و منتقدان بوده است، صورت گرفته؛ اجرایی که برای اولین بار با لباس، گریم، دکور صورت گرفته و قطعاً، در همه آنها نقایص بسیاری وجود دارد و شورای نظارت مرکز هنرهای نمایشی پس از این اجرا نظارت‌های لازم را با حساسیت‌های ویژه متذکر شده و به اصلاح آن پرداخته است.»

گزارش فارس منشاء جنجال شد و جواب مسافرآستانه هم نتوانست مرهمی بر زخم باشد.

مجلسی‌ها و تئاتری‌ها

فارس همزمان با انتشار جوابیه مسافرآستانه توضیحاتی داد و جداگانه در گزارشی دیگر مستنداتی ارائه داد که به نوعی تبری جستن از اتهام عکاسی غیرقانونی بود. گزارش فارس با انتشار تصویری از یک مجوز عکاسی بی‌نام و بدون ذکر نام صاحب مجوز و تنها با درج عنوان نمایش در پی آن بود تا القا کند که اتهام مسافر بی‌پایه و اساس است. فارس پیگیری‌هایش را ادامه داد و کوتاه نیامد.

با پیگیری فارس نمایندگان مجلس در کمیسیون فرهنگی مجلس که هیچ کدام نمایش را ندیده بودند، وارد عمل شده و بر پایه آن گزارش نظرات خود را رسانه‌ای کردند و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون هنری‌اش را برای توضیحات فراخواندند.

اعضای کمیسیون فرهنگی هر کدام به صورت جداگانه و همگی در گفت‌وگو با فارس اظهارات تقریباً مشابهی را ارائه کردند که نشان از داشتن اطلاعاتی مشابه از یک منبع خبر داشت.

حجت‌الاسلام حسن ملک‌محمدی نماینده مردم دامغان و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از دیدار و جلسه مشترک خود با سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد و گفت: «با توجه به حساسیت مردم و شیطنت در زمینه اجرای این نمایش، عصر امروز سه‌شنبه برای بررسی مساله به دیدار وزیر ارشاد خواهم رفت تا با وی در این باره بحث و تبادل‌نظر کنیم. در جامعه اسلامی باید از هنرهایی استفاده شود که اصول و ارزش‌های اسلامی در آن رعایت شده باشد. باید از اجرای تئاترهایی که به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند نیستند، اجتناب کرد. باید با عوامل و عناصر اجرای تئاتر مبتذل «هدا گابلر» برخورد قانونی شود.»

ستار هدایت‌خواه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس هم اعلام کرد: «امروز درباره اجرای این تئاتر با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیدار خواهم داشت.»

فاطمه رهبر دیگر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی هم در گفت‌وگو با فارس گفت: «متاسفانه چند روز قبل مطلع شدیم نمایش تئاتری با مضامین غیراخلاقی در مجموعه تئاتر شهر به نمایش درآمده است. هر اثر هنری نباید به بهانه دهه فجر به نمایش درآید، اما ما فرض را بر این می‌گیریم که این تئاتر به نمایش درآمد ولی توقع این بود که برای اجرای مجدد آن در معرض عموم، مسوولان بخش‌هایی از این نمایش را اصلاح می‌کردند و صحنه‌هایی را که حساسیت ایجاد می‌کرد از این نمایش حذف می‌کردند. متاسفانه نمایشی که چند روز پیش در تئاتر شهر به نمایش درآمد، همان نمایشی بود که در دهه فجر اجرا شد و این مساله در واقع یکی از خطاهای مسوولان وزارت ارشاد است چراکه مسوولان باید در این خصوص دقت بیشتر به خرج می‌دادند تا کار به اینجا نرسد. بحث نمایش «هدا گابلر» حتماً در کمیسیون فرهنگی مجلس مطرح می‌شود، البته قرار بود در جلسات آینده معاون هنری وزارت ارشاد به کمیسیون بیاید و توضیحاتی را در خصوص اقدامات معاونت متبوعش به اعضای کمیسیون ارائه دهد. قطعاً نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در خصوص اجرای این تئاتر از معاون هنری وزارت ارشاد توضیح می‌خواهند.»

سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم اما به گفتن یک جمله به خبرنگاران در حاشیه جلسه هیات دولت اکتفا کرد: «در این رابطه پیگیری کردیم، آن طور که گفتند نیست و در این مساله اغراق شده است.»

واکنش رسانه‌ها

موضوع رسانه‌ای شده بود و همه به دنبال آن بودند که به هر نحوی موضوع را پوشش دهند. رسانه‌های داخلی از هر طیف و تفکری گزارشی در این‌باره منتشر کردند. آنها که به فارس نزدیک بودند پیگیر ماجرا شدند و دیگران در موضعی بی‌طرف تنها موارد را منعکس کردند. در مواردی هم دیده شد تئاتری‌ها در یادداشت‌هایی به موضوع انتقاداتی داشتند و ماجرا را به نفع تئاتر ندانسته و گزارش خبرگزاری فارس را بی‌پایه و اساس دانسته بودند. حسین کیانی که خود پیشتر دچار چنین مشکلی شده بود و موضوع گزارشی مشابه در رجانیوز، مطلبی را در روزنامه بانی‌فیلم منتشر کرد و در آن به ماجرا پرداخت. او با انتخاب تیتر «قضاوت ذهن‌های سالم» به جوانب موضوع پرداخت و با خطاب قرار دادن نویسنده گمنام گزارش مذکور به ماجرا واکنش نشان داد.

از طرف دیگر روزنامه جوان نیز بعد از توقیف نمایش، گزارشی منتشر کرد که در همان سطور ابتدایی‌اش نوشته بود: «بالاخره نمایش جنجالی و خبرساز هدا گابلر پس از گذشت نزدیک به یک هفته از اجرای آن در تئاتر با تصمیم شورای نظارت و ارزشیابی متوقف شد.»

روزنامه کیهان در روزی که تقریباً همه روزنامه‌ها گزارشی را در این مورد منتشر کرده بودند مطلبی مشابه را در مورد نمایش «رستم و سهراب» به کارگردانی پری صابری منتشر کرد؛ نمایشی که مدتی طولانی از اجرای آن می‌گذرد. نکته مهم این گزارش این بود که همان فردی این مطلب را نوشته بود که آن گزارش جنجالی را در خبرگزاری فارس منتشر کرد؛ اما جنجال «هدا گابلر» نگذاشت «رستم و سهراب» ره به جایی ببرد.

دادسرای فرهنگ و رسانه

تمام این ماجراها منتهی شد به اظهارنظر دادستان تهران و خبر اینکه از تمام عوامل این اجرا بازجویی به عمل آمده و به زودی خبر نتیجه اعلام خواهد شد. جعفری‌دولت‌آبادی هم با پیگیری خبرگزاری فارس و تماس تلفنی و گفت‌وگوی اختصاصی با این خبرگزاری گفت: «بر اساس گزارش‌های واصله، این نمایش از لحاظ محتوا و نحوه اجرای آن مشکلاتی داشت که دستور توقف اجرای تئاتر صادر شد. در این زمینه پرونده قضایی تشکیل شده است و کارگردان و سایر عوامل دست‌اندرکار این نمایش برای اخذ توضیح به شعبه رسیدگی‌کننده احضار شده‌اند که نتیجه اقدامات قضایی متعاقباً اعلام خواهد شد.»

دادستان تهران در همین زمینه نکته دیگری گفت که پیشتر در مورد نمایش «تتلو» نیز اعلام کرده بود: «با توجه به لزوم سالم‌سازی فضای فرهنگی جامعه بدیهی است با هر گونه فعالیتی که امنیت فرهنگی اجتماع را به مخاطره بیندازد، مقابله خواهد شد و یکی از مهم‌ترین وظایف دادسرای فرهنگ و رسانه که به زودی فعالیت رسمی خود را آغاز می‌کند، علاوه بر توجه به حفظ حقوق هنرمندان و اهالی فرهنگ و رسانه، تلاش برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه اسلامی ایران است.»

ماجرا

«هدا گابلر» قبل از اجرای عمومی با شکل و شمایل متفاوت در جشنواره تئاتر فجر سال قبل روی صحنه رفته بود. اگرچه هم فارس در گزارشش و فاطمه رهبر از اعضای کمیسیون فرهنگی به اشتباه این‌گونه قلمداد کرده بودند که همین نمایش و با همین شمایل در جشنواره اجرا شده بود. دلیل این اشتباه هم ساده بود؛ هیچ کدام از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نه نمایش را در جشنواره دیده بودند و نه در اجرای عمومی آن. همه مستندات همان گزارش فارس بود. گزارشی که هم در مورد ایبسن اشتباه کرده بود و هم اتهاماتی را وارد دانسته بود که مستقیماً نه به گروه نمایشی که به کل سیستم مدیریت تئاتر برمی‌گشت.

همگان می‌دانند هر نمایشی که در سالن‌های تئاتر روی صحنه می‌رود با چند مرحله بازبینی مواجه می‌شود. به خصوص در یکی دو سال اخیر و با تغییر مدیریت تئاتر تاکید بر موضوع نظارت و ارزشیابی تئاتر اهمیت بیشتری پیدا کرده است چنان که نمایشی بعد از هفت بار بازبینی توسط مقام‌ها و مراجع مختلف فرهنگی روی صحنه رفت. همین نمایش اخیر هم با اصلاحات شورای نظارت و بعد از چند نوبت بازبینی به روی صحنه رفت. مسعود عابدین‌نژاد رئیس شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در گفت‌وگوهایش بعد از ماجرا بر این نکته تاکید کرد و اعلام کرد که نمایش به تایید و بعد به اجرا رسیده است.

به هر حال فعلاً اجرای نمایش متوقف شده و باید به انتظار بود تا مراجع ذی‌صلاح تصمیمات خود را اعلام کنند.

پادداشت

تینا فارسی

به بهانه دوازدهمین سالگرد درگذشت یرژی گروتفسکی

پدر تئاتر تجربی

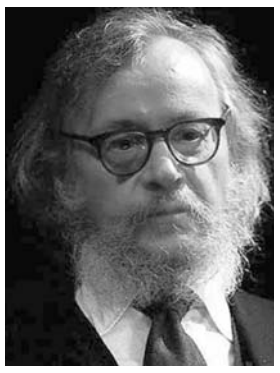

یرژی گروتفسکی در آگوست ۱۹۳۳ در لهستان به دنیا آمد. او مبدع مفاهیم تئاتر تجربی، تئاتر لابراتوار و تئاتر بی‌چیز است. تئاتر را در زادگاه خود آغاز کرد و سپس به اوپوله رفت. اجراهای «اورفئوس» نوشته ژان کوکتو، «شکونتلا» اثر کالیداس و «آکروپولیس» نوشته استانیسلاو ویسپیانسکی او را به شهرت رساند. مفسران «آکروپولیس» را نخستین تحقق عینی و کامل انگاره تئاتر بی‌چیز می‌دانند. در این اجرا بازیگران که گروهی از زندانیان را بازنمایی می‌کردند حین خواندن داستان‌هایی از کتاب مقدس و اساطیر یونان، سازه‌ای را به شکل کوره آدم‌سوزی پیرامون تماشاگران می‌ساختند. ساخت این مفهوم تاثیری عمیق و طنینی گسترده در تماشاگران اوپوله به جای گذاشت چراکه تماشاگران در محلی به تماشای آن اجرا نشسته بودند که تنها ۶۰ کیلومتر با آشویتس فاصله داشت. «آکروپولیس» در سال ۱۹۶۸ در فستیوال ادینبرا اجرا شد و جلوه‌ای چشمگیر داشت. در همین سال بود که کتاب مهم به سوی تئاتر بی‌چیز از سوی تئاتر اودین به سرپرستی یوجنیو باربا به زبان دانمارکی منتشر شد و سال بعد نیز با مقدمه پیتر بروک به زبان انگلیسی انتشار یافت. گروتفسکی در سال ۱۹۶۴ «سرگذشت تراژیک دکتر فاستوس» را بر اساس متن الیزابتن کریستوفر مارلو روی صحنه برد و پس از آن در سال ۱۹۶۵ به دلایلی که یکی از آنها فرار از سانسور شدید بود کمپانی‌اش را به وراسلاو منتقل کرد و نام آن را تئاتر لابراتوریوم گذاشت. «شاهزاده ثابت‌قدم» کار بعدی او بود و محصول ۱۹۶۷. این اجرا از سوی بسیاری از مفسران و اهل فن مهم‌ترین و بهترین اثر تئاتری قرن بیستم شناخته شده است. اجرای ریچارد چیشلاک در نقش اصلی، نقطه اوج رویکرد خاص گروتفسکی به بازیگری است. گروتفسکی در یکی از آخرین جستارهای خود با جزییات کامل چگونگی تمرین با چیشلاک را شرح می‌دهد. او بیش از یک سال به صورت انفرادی با چیشلاک کار کرد تا جزییات خراش روی بدن بازیگر در او ایجاد شود؛ پیش از آنکه این عنصر اساسی اجرا با کار دیگر بازیگران و زمینه جدایی‌ناپذیر شکنجه و شهادت در نمایشنامه ترکیب شود. آخرین محصول گروتفسکی در مقام کارگردان در سال ۱۹۶۹ اجرا شد. این اجرا که بسیار تحسین شد «آپوکالیپس» نام داشت. متن آن از کتاب مقدس وام گرفته شده بود و با نوشته‌هایی معاصر مانند آثار تی اس الیوت ترکیب شده بود. فرآیند آماده‌سازی «آپوکالیپس» سه سال به طول انجامید. گروتفسکی در سال ۱۹۸۶ به پونته‌درا در ایتالیا دعوت شد تا با فراغ بال پژوهش درازمدت را درباره اجرا آغاز کند بی‌آنکه ملزم به ارائه نتایج تحقیق در زمانی مشخص باشد. گروتفسکی این پیشنهاد را با خوشحالی پذیرفت و آنجا بود که مبحث «هنر به مثابه محمل» را گشود. این اصطلاح برگرفته از سخنان بروک درباره تئاتر گروتفسکی بود. به بیان بروک: «به باور من گروتفسکی چیزی را به ما نشان می‌دهد که در گذشته زیست می‌کرده اما قرن‌هاست که به دست فراموشی سپرده شده است؛ آن چیز یکی از محمل‌هایی است که به انسان رخصت می‌دهد تا به سطحی دیگر از دریافت که در هنر اجرا یافتنی است نائل شود.» گروتفسکی در دوره‌ای از کار خود برای انجام پژوهش به کشورهای مختلفی سفر کرد؛ از هندوستان تا مکزیک و هائیتی. او به دنبال شناسایی عناصر تکنیکی فعالیت‌های سنتی فرهنگ‌های مختلف بود. یکی از همراهان او در این دوره کاری استانیوسکی بود که تئاتر گاردزنیتسه را در لهستان تاسیس کرد. گروتفسکی در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۹ در پی یک دوره بیماری طولانی درگذشت اما مبنای پژوهش او در پونته‌درا همچنان دنبال می‌شود.

دیالوگ

پریا ساعی

بخشی از آخرین گفت‌وگوی آلن کوارسکی با یان کات درباره گروتفسکی

روزی درباره او خواهم نوشت...

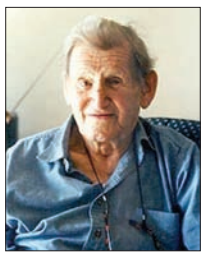

متن زیر که از گفت‌وگویی طولانی انتخاب شده، بر اساس مجموعه گفت‌وگوهای آلن جی کوارسکی با یان کات در آپارتمان شخصی او در سانتا مونیکا در مارس سال ۲۰۰۱ تنظیم شده است. یان کات در سال ۱۹۱۴ در ورشو به دنیا آمد. او افزون بر منتقد و نظریه‌پرداز تئاتر، شاعر، مترجم و منتقد ادبی هم بود و در زمان حیات خود به شهرت جهانی رسید. او در امریکا زندگی کرد و از سال ۱۹۶۶ در دانشگاه‌های ییل و برکلی به تدریس پرداخت. کات پس از گذراندن یک دوره بیماری سخت و طولانی در دسامبر ۲۰۰۱ درگذشت.

-شما در تئاتر لهستان از کارگردان‌هایی نظیر کانتور و گروتفسکی شناخت کاملی دارید. آنها در لهستان نیز مانند امریکا بسیار مشهور بودند. دوستی توامان با گروتفسکی و کانتور باید با چالش همراه بوده باشد.

گروتفسکی به کانتور احترام می‌گذاشت اما کانتور از گروتفسکی متنفر بود. آخرین سخنرانی کانتور را در کنگره فرهنگ لهستانی در سال ۱۹۸۱ به یاد دارم. در آن زمان به نظرم ارتش شوروی درصدد ورود به لهستان بود. در آن اتمسفر پرتنش کانتور پشت تریبون ایستاد و گفت: «گروتفسکی یک متقلب است.» این جمله ایده وجود مناسباتی را میان آن دو به ذهن متبادر می‌کند.وقتی گروتفسکی کارش را آغاز کرد من با او در اوپوله بودم. آن زمان در آن سالن تئاتر کوچک سه یا چهار نفر در جایگاه تماشاگران نشسته بودند. بازیگران طوری به گروتفسکی نگاه می‌کردند که گویی او خداست. او خواسته‌هایی باورنکردنی از بازیگران داشت؛ نوع ناشناخته‌ای از بازی. رابطه‌ای متفاوت میان بازیگر و تماشاگر برقرار بود. برای گروتفسکی بازیگری مثل برخورد کردن با نور است. این تفسیر من است اما فکر می‌کنم تفسیری درخور گروتفسکی است... همین حالا مرکز پژوهش درباره آثار گروتفسکی (گروتفسکی‌شناسی) در وراسلاو چهارمین یا پنجمین جلد از کتابچه‌ای را منتشر کرده است که خاطرات افرادی است که در اوپوله و وراسلاو با گروتفسکی کار کرده‌اند و کتابی بسیار خواندنی و درخشان است. اگر می‌خواهید چگونگی رابطه گروتفسکی با بازیگرانش را درک کنید این خاطرات بسیار مهم هستند. یک روز درباره‌اش خواهم نوشت. یادم می‌آید وقتی به اوپوله رفتم، اجرا تاثیر عمیقی بر من گذاشت. می‌دانستم که این کار جدید است اما آن زمان گستره‌ای را که این کار جدید در مقایسه با آن روشنگرانه و به واقع شگفت‌انگیز بود، نمی‌شناختم. تااینکه «آپوکالیپس» را برای آخرین بار دیدم. آن موقع بود که فهمیدم این یک تئاتر فوق‌العاده است. آن کار آخرین تولید گروتفسکی بود. می‌شود گفت کار تئاتری گروتفسکی آنجا به پایان رسید. او بعدها به من و دیگران گفت برای او «آپوکالیپس» نهایت بود و هر چیزی پس از آن می‌ساخت تنها می‌شد تکرار. گروتفسکی مردی بود با نگاهی فوق‌العاده، شجاعتی فوق‌العاده و بیزار از هر نوع سازشکاری. همان طور که پیشتر گفته‌ام نزدیکی بازیگر و تک‌تک تماشاگران یکی از اصول گروتفسکی بود. در «شاهزاده ثابت‌قدم» چیشلاک با نگاه نظاره‌گر تماشاگر تقریباً روی صحنه شکنجه می‌شد. گروتفسکی چیشلاک را خلق کرد و او را به طور کامل از نو ساخت. من این را در «آپوکالیپس» در او دیدم و او بسیار غمگین شده بود. به باور بسیاری و به عقیده من چیشلاک در کار با گروتفسکی به یکی از بزرگ‌ترین بازیگران جهان بدل شد.

آکروپولیس، کارگردان: یرژی گروتفسکی، ۱۹۶۷